: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2023.79584.1211
مقالۀ پژوهشی-مطالعۀ موردی

مجلّۀ جغرافیا و توسعۀ ناحیه‌ای، سال بیستم، شمارۀ ٤، زمستان ١٤٠١، شمارۀ پیاپی ٤١

واکاوی اثرات مؤلفه‌های حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران

رضا سلطان‌ملکی: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
reza.soltanmaleki.1990@gmail.com
مسعود الهی: استادیار، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، نویسندۀ مسئول
m_elahi@qiau.ac.ir
زهره داودپور: دانشیار، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
zdavoudpour@gmail.com

صص: ٣٠٥-٢٧٨

چکیده

امکان استفادۀ برابر از ظرفیت‌های شهر برای ساکنان آن موضوعی است که به مطالبه‌ای مهم تبدیل شده و علت اصلی آن نیز مشکلات و معضلات انسانی و محیطی بی‌شماری است که برای شهرها به وجود آمده است؛ بر این اساس، زندگی در شهر تکالیفی را برای شهروندان ایجاد می‌کند که شهروندان متناسب با تکالیفی که قانون برای آن‌ها در نظر گرفته است، برای دستیابی به زندگی ایده‌آل، حق به شهر را برای خود متصور باشند. همچنین تحلیل شاخص‌های زیست‌پذیری با رویکرد حق به شهر می‌تواند نقشی کلیدی در رفع بسیاری از معضلات شهری ایفا کند و رضایت شهروندان را به همراه داشته باشد؛ ازاین‌رو هدف این مطالعه واکاوی اثرات مؤلفه‌های حق به شهر در خام‌شهرهای (غرب) استان بود. نوع پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری اول در این پژوهش، شهروندان شهرهای بلده، کجور و پول بودند که مطابق با سرشماری سال ١٣٩٥، جمعیت سه شهر ٧٢٤٠ نفر بود و حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، معادل ٣٦٥

تاریخ دریافت: ١٤٠١/٠٨/٢٢ تاریخ تصویب: ١٤٠١/١٠/١٩

نفر محاسبه شد. جامعه آماری دوم در این پژوهش، متخصصان شهری در سه شهر بلده، کجور و پول بودند که حجم نمونه از میان آن‌ها با استفاده از تکنیک دلفی ۲۵ نمونه در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش حاضر با توجه به آزمون فریدمن و t تک‌نمونه‌ای نشان داد، با توجه به سطح معناداری آزمون که کوچک‌تر از ۰.۰۵ (برابر ۰.۰۰۱) بود، در بعد اجتماعی-فرهنگی، شهر بلده با رتبه ۲.۱٤ بالاترین رتبه و در بعد اقتصادی، شهر کجور با رتبه ۲.۳٤ بالاترین رتبه را در میان خام‌شهرهای غرب استان مازندران داشتند. همچنین در بعد کالبدی-زیستی، با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰.۰۵ (برابر ۰.۳۰۲) بود، شهرهای کجور، بلده و پول رتبه متفاوت داشتند، اما ازآنجاکه این تفاوت معنادار نبود، دارای رتبه برابر بودند و بعد کالبدی-زیستی دارای بیشترین اهمیت بود. همچنین نتایج آزمون کروسکال والیس در زمینه مقایسه نظرات شهروندان و متخصصان در رابطه با ابعاد اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-زیستی و اقتصادی تحقق حق به شهر مشخص کرد، وضعیت این ابعاد از نظر شهروندان و متخصصان یکسان بود که در این راستا پیشنهادهایی مطرح شد.
کلیدواژه‌ها: حق به شهر، خام‌شهر، غرب مازندران.

۱. مقدمه

برای درک بهتر چالش «خام‌شهری» در نظام شهری ایران باید توجه داشت که هم‌اکنون نزدیک به یک‌سوم از شهرهای ایران، خام‌شهر هستند که فقط کمتر از دو درصد از جمعیت شهرنشین کشور را در خود دارند (ایبانلو و تاجوک، ۱٤۰۰، ص. ۷۳). امروزه موضوع نابرابری و نبود تعادل فضایی میان مناطق روستایی و شهری از مباحث مهم برنامه‌ریزان منطقه‌ای است. برای توازن بخشیدن و کاهش نابرابری نقاط روستایی، توجه به شهرهای کوچک یکی از راهکارهای تعادل‌بخشی به این وضعیت است (نصیری‌مقدم و همکاران، ۱٤۰۱، ص. ۹٤). توجه به این امر بسیار اهمیت دارد که رشد جمعیت شهری و شهرنشینی قبل از فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران، شهرها را به‌شدت از معیارهای زیست‌پذیری و استانداردهای زندگی دور کرده است (شکری فیروزجاه و همکاران، ۱٤۰۰، ص. ۱۱۵). این مسئله برای شهرهای کوچک و به‌ویژه خام‌شهرها، مصداق بیشتری دارد. ضمن اینکه ادراک عمومی از

حقوق شهروندی نشئت‌گرفته از عوامل متعددی است که تا حد زیادی به برداشت‌های حسی و شناختی شهروندان مرتبط است (شکوه‌فر و همکاران، ۱٤۰۰، ص. ٦۹). شهرهای کوچک در ایران به‌عنوان مکان مرکزی بیشترین روابط را با حوزه نفوذ روستایی‌شان دارند. نقش این شهرها نه‌تنها به مراکز توزیع خدمات و بازار فروش محصولات کشاورزی موجب پویایی بخش روستایی می‌شود، بلکه عاملی در تجاری شدن بخش کشاورزی در حوزه‌های روستایی نیز است (شریف‌پور و اللهی، ۱٤۰۰، ص. ۵۲). هرگونه تحرک و فعالیت در شهرهای کوچک، در وهله نخست و بی‌واسطه حوزه‌های روستایی را تحت‌تأثیر می‌دهد. این تحرکات می‌تواند مثبت باشد و موجب تقویت ساختاری در روابط میان این نقاط شود یا منفی باشد و موجب از هم گسیختن و تضعیف روابط فضایی ساختاری این نقاط از یکدیگر شود (ایرانی هریس و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ٤٦). ذکر این نکته ضروری است که نخستین و مهم‌ترین بخش مؤثر از این تعاملات و به‌ویژه تأثیر ساختاری شهر کوچک بر روابط شهری–روستایی، حیطه و حوزه فعالیت‌های اقتصادی فی‌مابین است. بررسی وضعیت تعداد و جمعیت شهرها در سرشماری عمومی نفوس و مسکن حاکی از آن است که طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، برعکس شهرهای میانی، شهرهای کوچک (با طبقه جمعیتی ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر) با افزایش چشمگیر در تعداد جمعیت روبه‌رو شدند. همچنین باید در نظر داشت که در همین بازه زمانی، این گروه از شهرها بیش از چهار میلیون نفر افزایش جمعیت را تجربه کرده‌اند که برای شهرهای کوچک با ظرفیت جمعیتی کم، رقم چشمگیری به حساب می‌آید (ینانلو و تاجوک، ۱٤۰۰، ص. ۷۵). این امر حاکی از افزایش تعداد شهرهای کوچکی است که از روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک ارتقا یافته‌اند که البته بخش زیادی از آن‌ها را شهرهای با جمعیت کمتر از پنج هزار نفر (خام‌شهر) تشکیل می‌دهد. می‌توان بیان کرد، یکی از چالش‌های جدی در نظام شهری ایران، ظهور و افزایش لجام‌گسیخته «ریزشهرها» است (آیسین[1]، ۲۰۰۰، ص. ۳). تعداد جمعیت در این شهرها از آستانه جمعیتی معمول برای امکان‌سنجی تبدیل شدن روستا به شهر که از سال ۱۳۳۵ تاکنون عمدتاً بر رقم ۵۰۰۰ نفر استوار بوده است، کمتر است (ینانلو و تاجوک، ۱٤۰۰، ص. ۷٦).

1. Isin

شهرها بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند و نیز حق بر شهر ایده‌ای است که اخیراً توسط جنبش‌های اجتماعی و متفکران حقوق شهری به‌منظور تأمین حقوق بنیادین بشر بررسی شده است؛ البته حق یکی از انواع حقوق بشری است که در اسناد بین‌المللی و داخلی کشورها شناسایی شده است و جامعه مهندسان بخشی از مطالعات خود را معطوف حق بر شهر و اهمیت رعایت آن کرده‌اند (کامیارراد و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۴). با گسترش سریع شهرنشینی در جهان و لزوم توجه به عملکرد مدیریت این سیستم‌های شهری، مطالعه در زمینه زندگی شهری و شیوه‌های دسترسی ساکنان به حقوق شهروندی و برخورداری برابر آن‌ها به این حقوق اهمیت زیادی می‌یابد (کارمن[1]، ۲۰۲۰، ص. ۱۵۲). زمینه-ای لازم برای طرح مباحثی درمورد مفهوم به حق شهر مطرح شد (مریلاینن[2] و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۸۹). مفهومی که برای اولین بار هنری لوفور بیان کرد یعنی حق به شهر، یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است (تانسر[3]، ۲۰۱۷، ص. ۱۲۹). تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود (دارکش و استرکی، ۱۳۹۹، ص. ۳)؛ البته منتقدان به این واقعیت توجه دارند که دریافت‌کنندگان اصلی حق به شهر، در درجه اول مقامات محلی‌اند که علاقه‌مند به اجرای اصل حکمروایی خوب، استفاده از ابزارهایی چون بودجه‌های مشارکتی روش‌های مدیریت شفاف و تصمیم‌سازی مشارکتی هستند (دامورتگز[4]، ۲۰۱۸، ص. ۶۰۹)، شهر به‌مثابه حقی اجتماعی است و نقش فضای شهری در تولید آهنگ روزمره زندگی و بازتولید روابط اجتماعی رویکردی به حقوق شهروندی را پدید می‌آورد که در آن ساکنان شهر باید نقش‌آفرینان و ذی‌نفعان اصلی در تولید فضای شهری باشند (حیدری و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۹۷). یکی از الزامات برای حل این معضلات، به رسمیت شناختن شهروندی محلی و حق به شهر است که برخی از شهرهای مهم جهان نیز اسنادی را در این زمینه تدوین کرده‌اند (حبیب‌نژاد و خسروی، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۹). حق شهر از

1. Carmen
2. Meriläinen,
3. Tuncer
4. Domaradzka

نظر لوفور به معنای حق زندگی در جامعه‌ای است که در آن همه افراد به‌طور مشابه آزاد هستند تا خواسته‌های خود را برآورده کنند و در آن از همه در انجام آن حمایت شود (مارکوس[1]، ۲۰۱۰، ص. ۸۸). شهر، فضایی برای تحقق آمال کسانی است که دیار خود را ترک کرده‌اند و به امید یافتن زندگی بهتر به آن وارد می‌شوند. دست یافتن به اهدافی که شهروندان در پی آن هستند، به‌عنوان حق آن‌ها در شهر و تحت عناوین مختلفی قلمداد می‌شود که حق به شهر یکی از مشهورترین آن‌هاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد، حق به شهر در همه شهرها و نیز در هر منطقه و ناحیه از شهر به‌صورت یکسان نیست و افراد مختلف ساکن در شهرها یا نواحی مختلف شهری، شرایط متفاوتی را تجربه می‌کنند (سنایی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ٤۸)، ضعف در تحقق اندیشه حق به شهر در شهرهای کوچکی که از ترکیب چند روستا یا به‌صورت مستقل شکل گرفته‌اند و مردم آن در اندیشه دستیابی به عدالت فضایی در فرایند شهر شدن سکونتگاهشان هستند، اما به آن دست نیافته‌اند، تبعات بسیار زیادی را برای دولت-ها، شهرها و البته شهروندان داشته است؛ هرچند محقق شدن آنچه از آن حق به شهر در شهرها یاد می‌شود، می‌تواند نویدبخش آینده‌ای روشن برای شهر و شهروندانش باشد و عدالت اجتماعی را در فضاهای سکونتی به ارمغان آورد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۳)، مشارکت و گفت‌وگو، ایجاد اجماع در بین ذی‌نفعان و شهروندان یا مشارکت فعال جامع حرفه‌ای نیست؛ بلکه بخشی از فرایند تدوین و طراحی آن چیزی است که دولت مرکزی تصمیم گرفته است (آخوندی،۲۰۲۰، ص. ۷٤)، در سال‌های اخیر، توسعه شهرهای کوچک از طریق تبدیل روستاها به شهر در کشورمان، به‌عنوان رویکردی اساسی در توسعه مناطق روستایی و یکی از سیاست‌های اصلی تمرکز خدمات مدنظر قرار گرفته است و در این مسیر طی چند دهه اخیر، تعداد زیادی از نقاط روستایی به شهر ارتقا یافته‌اند (للاندایس[2]، ۲۰۱۳، ص. ۸۱۸)؛ به‌طوری‌که کارکردهای نوین شهری و افزایش جمعیت این مراکز، به توسعه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی آن‌ها و درنهایت به رضایتمندی ساکنان از کیفیت محیط زندگی خود منجر می‌شود (نوروزی و زرین‌جویی، ۱۳۹۱، ص. ٦۹).

---

1. Marcuse
2. Lelandais

به نظر می‌رسد، در شهرهای کوچکی که با رسانیدن خود به جرگه سکونتگاه‌های شهری، در پی جبران محرومیت‌های ناشی از زندگی روستایی برای ساکنان خود بوده‌اند، تا حد زیادی ادراکات حسی مذکور به سمت روند مطلوب حرکت نکرده است و تا استانداردسازی این سطح فاصله زیادی وجود دارد (فاواز[1]، ۲۰۱۳، ص. ٤٣). در این میان آنچه بیش از هر نکته دیگری به چشم می‌آید، ایجاد تناقضی است که شاید این استدلال وجود دارد که با شهر شدن سکونتگاه‌های روستایی، شرایط زندگی ساکنان آن‌ها بهبود می‌یابد و حق به مؤلفه‌های مختلف برای آن‌ها تأمین می‌شود؛ از همین روست که لازم است این مسئله کاوش شود که دستیابی به عدالت اجتماعی و فضایی از منظر رویکرد حق به شهر در خام‌شهرها تا چه اندازه محقق می‌شود و تبدیل روستاها به شهرهای کوچک تا چه اندازه می‌تواند در تأمین اهداف مندرج در تقسیمات سیاسی و اداری و نظام شهرنشینی کشور محقق شود؛ به عبارت دیگر، اینکه شرایط ایده‌آلی که در زمان تدوین دستورالعمل‌ها یا تأسیس شهرهای کوچک بیان می‌شود، تا چه اندازه به اهداف مطرح‌شده در ایجاد شهرهای کوچک که تکامل‌یافته فضای روستایی هستند، رسیده می‌شود یا می‌توان دست یافت، مسئله‌ای است که باید به آن پرداخت. درواقع، حق دستیابی شهروندان به خدمات و امکانات شهری، به‌عنوان حلقه مفقوده در این شهرهاست؛ ازاین‌رو ایجاد چارچوب قانونی و سیاسی به‌منظور دسترسی به حقوق شهری توسط شهروندان، چالش اصلی پیش روی سیاست‌گذاران شهری خام‌شهرها است که لازم است به‌صورت موردی در (غرب) استان مازندران به آن پرداخته شود؛ بنابراین لازم است با شناخت معیارها و شاخص‌های حق به شهر و پیاده‌سازی آن‌ها در خام‌شهرها و عوامل مؤثر بر آن، به تبیین و ارائه الگوی ساختاری در این زمینه پرداخت؛ بر این اساس این پرسش مطرح می‌شود که در بین معیارهای بررسی‌شده، کدام معیار بیشترین اثرگذاری را بر میزان تحقق رویکرد حق به شهر در خام‌شهرهای (غرب) استان مازندران دارد؟

1. Fawaz

۲. پیشینهٔ تحقیق

پورسل[1] (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان «دنیاهای ممکن: هانری لفور و حق به شـهر» حـق به شهر را کاملاً متفاوت، به‌عنوان فریاد و مبارزه‌ای رادیکـال بـرای حرکـت فراتـر از دولـت و سرمایه‌داری بیان کرده است. آیریس یانگ (۲۰۱۲) در مقاله خود با عنوان «برابری جنسـیتی در نظریه شهروندی متمایز» بر فرم‌های حقوقی جمعی مبتنی بر گروه‌هـای اجتمـاعی خوداتکـا و خودانگیخته همچون نظریه حق به شهر تأکید می‌کنـد. لانـگ و همکـاران (۲۰۱۱) در تحقیـق خود با عنوان «تحلیل توسعه تحول روستایی در چین از آغاز هزاره جدید» بیـان مـی‌کننـد کـه توسعه تغییر روستایی در چین اساساً توسط شتاب صنعتی‌سازی روستایی و فرایند شهرنشـینی با کاهش زمین‌های زراعی برای ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌هـا و تبـدیل کـارگران روسـتایی بـه کارگران شهری، به میزان زیادی مناطق روستایی را تغییر داده اسـت. ایـن تغییـرات بـه تغییـر بنیادی ساختار صنعتی روستا، ساختار اشتغال روستا و الگوهای بهره‌وری از زمین منجـر شـده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر را به لحاظ روش‌شناسی می‌توان در زمره مطالعات نظری (تئوریکی) قلمـداد کرد که بر پایه بررسی ادبیات نظری موضوعی انجام شده و درنهایت به ارائه الگـوی نظـری و مفهومی برای این مسئله اقدام شده است؛ بر این اساس می‌توان این مطالعـه را از نـوع تحقیـق بنیادی–نظری دانست که با مرور مطالعات پیشین و مرتبط انجام شـده اسـت. شـهروندان سـه شهر (بلده، کجور و پول) و متخصصان شهری جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. با توجه به حجم جمعیت سه شهر که براساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ معادل ۷۲٤۰ نفر (بلـده ۹۷۰ نفر، کجور ۳۱۲۰ نفر و پول ۳۱۵۰ نفر) بود، برمبنای فرمول کوکران، ۳٦۵ نمونـه انتخـاب شـد که به روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی‌شده، پرسشـنامه میـان شـهروندان توزیـع و داده‌هـا گردآوری شده است. از طرفی از میان جامعه آماری متخصصان و کارشناسان مسائل شهری نیز با بهره‌گیری از تکنیک دلفی، ۲۵ نمونه انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل‌هـای

1. Purcell

آماری مبتنی بر آزمون t تک‌نمونه‌ای و آزمون فریـدمن در نـرم‌افـزار SPSS اسـتفاده شـد. در جدول ۱، مؤلفه‌ها و معیارهای پژوهش در رابطه با رویکرد تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران ارائه شده است.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و معیارهای پژوهش خام‌شهرها با رویکرد تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای (غرب) استان مازندران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

ابعاد	معیارها	شاخص‌ها
بعد اجتماعی – فرهنگی	حق مشارکت در شهر (مشارکت‌پذیری)	میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری میزان توانمندسازی مردم به‌منظور سازمان‌دهی رویدادها و گردهمایی‌های شهری میزان دخالت و تأثیر مردم در خلق محیط و فضاهای شهری میزان پاسخگو بودن مدیران شهری به شهروندان
	حقوق اجتماعی-فرهنگی (زیست‌پذیری شهری)	میزان استفاده گروه‌های مختلف سنی از فضاهای شهری میزان استفاده گروه‌های مختلف جنسی از فضاهای شهری میزان استفاده معلولان از فضاهای شهری میزان ارتباط چهره به چهره و همکاری بین مردم در فضاهای شهری میزان تنوع فرهنگی و قومی در شهر
بعد اقتصادی	حقوق اقتصادی	میزان رضایت از وضعیت کار و اشتغال در شهر میزان رضایت از وضعیت قیمت زمین در شهر میزان رضایت از وضعیت سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در بخش‌های مختلف شهر یکپارچگی اقتصادی شهر با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی
	حق معاش و پایداری اقتصاد شهر	میزان رضایت از وضعیت درآمد پایدار در شهر میزان رضایت از مهارت‌ها و برنامه‌های آموزشی مؤثر توسط مدیران شهری برای شهروندان میزان دسترسی به منابع مالی ثانویه جهت افزایش فرصت‌های معیشت میزان امکان توسعه کسب‌وکار محلی و نوآوری میزان رضایت از برنامه‌ریزی و تداوم کسب‌وکار در شهر

بعد کالبدی- زیستی	حق اختصاص‌دهی شهر به خود	میزان تأثیر مردم برای انجام تغییرات و ساخت‌وسازها در محله یا شهر میزان سهولت مالکیت یا اجاره مسکن در شهر میزان حس تعلق به شهر و مکان‌های شهری میزان رضایت از دسترسی به فضاهای عمومی و خدماتی شهر میزان تنوع مراکز خدماتی در شهر میزان رضایت از امنیت جسمی و روانی در فضاهای شهری میزان رضایت از سهولت مسافرت‌های درون‌شهری و وضعیت ترافیک میزان رضایت از حمل‌ونقل عمومی شهر میزان رضایت از ایمنی و آسایش عابران برای تردد در برابر اتومبیل‌ها
	حق زیبایی‌شناسی	میزان انطباق نمادها و تزئینات شهری با فرهنگ و تاریخچه شهر میزان خوانایی ورودی‌ها و مراکز و فعالیت‌های اصلی شهری میزان تناسب بین ساختمان‌ها و فضاهای اطراف آن میزان رضایت از عناصر بصری شهری میزان رضایت از دید به عناصر طبیعی شهر مانند دریا و جنگل میزان رضایت از رعایت استانداردها و کدهای اصول ساخت‌وساز
	حقوق زیست‌محیطی	میزان رضایت از کیفیت و پراکندگی پارک‌ها و فضای سبز میزان رضایت از جمع‌آوری پسماند شهری و شبکه فاضلاب میزان رضایت از پشتیبانی مراکز تصمیم گیر و تصمیم‌ساز از طبیعت، حیات‌وحش و اکوسیستم‌ها در شهر میزان رضایت از توجه به آسایش اقلیمی در طراحی محیط شهری

در این پژوهش آزمون آلفای کرونباخ به‌منظور بررسی پایایی پرسشنامه برای انجام آزمون‌های آماری به کار رفته است که در این آزمون هر قدر همبستگی مثبت بین سؤالات بیشتر شود، میزان آلفای کرونباخ بیشتر خواهد شد و برعکس، هرچقدر واریانس میانگین سؤالات

بیشتر شود، آلفای کرونباخ کاهش پیدا خواهد کرد. میزان پایایی و ضریب آلفـای کرونبـاخ بـه شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. میزان پایایی درونی و ضریب آلفای کرونباخ

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

ضریب آلفای کرونباخ	پایایی درونی
۰.۹α ≥	عالی
۰.۸ > α ≥ ۰.۹	خوب
۰.۷ > α ≥ ۰،۸	قابل‌قبول
۰.٦ > α ≥ ۰.۷	دارای شبهه
۰.۵ > α ≥ ۰.٦	ضعیف
> α۰.۵	غیرقابل‌قبول

براساس بررسی انجام‌شده، آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰.۸۸۳ است کـه نشـان از پایایی درونی خوب این پرسشنامه دارد. از آزمون t تک‌نمونـه‌ای در تحقـق حـق بـه شـهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران استفاده شد. در این آزمون، میانگین نمونه با مقدار عددی ۳ که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است، مقایسه می‌شود.

٤. مبانی نظری تحقیق

براساس سنجش افتراق‌های فضایی تحقق حق به مشارکت با رویکرد حق بـه شـهر شـاهد هستیم که نواحی مرکزی به‌دلیل دسترسی بهتر به مراکز اداری، وجود فضاهای عمـومی، تنـوع بیشتر مراکز خدماتی، کیفیت بالاتر معابر و نزدیکی بـه مراکـز حمـل‌ونقـل عمـومی از شـرایط بهتری در مقایسه با سایر محله‌ها برخـوردار بـوده‌انـد (سـنایی و همکـاران، ۱٤۰۱، ص. ٤۸). براساس شاخص مرکزیت، شهرها به غیر از انجام ارتباط اجباری اداری و سیاسی کـه موجـب وابستگی روستا به شهر می‌شود، در سایر موارد مانند مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگـی، ساکنان علاوه بر شهرهای خود به شهرهای دیگر شهرستان نیز مراجعه می‌کنند (نصیری‌مقدم و همکاران، ۱٤۰۱، ص. ۹۵). به منظور بهبود وضعیت زیست‌پذیری شهرهای کوچک شهرسـتان

بابل، اتخاذ اقدامات مناسب در ابعاد زیست‌محیطی (افزایش کیفیت جمع‌آوری زباله، فاضلاب، آب‌های سطحی و فضای سبز داخل شهرها) و اجتماعی (افزایش امنیت و ایمنی در جاده‌ها، پیاده‌روها و معابر) از امور ضروری مهم‌تر است (شکری فیروزجاه و همکاران، ۱٤۰۰، ص. ۱۱٦)، واکاوی چالش تفاوت‌های جنسیتی و حق بر شهر جنسیت، نقش مهمی در میزان ادراک این مهم دارد (شکوه‌فر و همکاران، ۱٤۰۰، ص. ۷۰). مفهوم حق به شهر در سیاست‌گذاری شهری، مهم‌ترین عرصه برای چانه‌زنی درباره شیوه‌های توزیع منافع و فرصت‌ها در شهرها از سوی ذی‌نفعان شهری است که همین موضوع مهم، موجب حضور شهروندان در لایه‌های تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری شهرها می‌شود (شارع‌پور و اشتیاقی، ۱۳۹۹، ص. ٦۷)، هاروی و مری‌فیلد[1] (۲۰۱٤) در کتاب خود با عنوان حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی، عدالت اجتماعی و عدالت شهری را برابر با حفظ حقوق عدالت اجتماعی و شهروندان کم‌درآمد، تساوی در تخصیص و بهره‌وری از فضاهای عمومی و خصوصی برای تمامی استفاده‌کنندگان شهری و لزوم تفهیم عدالت اجتماعی و شهرسازی در ارتباط با یکدیگر می‌دانند.

میشل (۲۰۰۳) بر اهمیت فضای شهری و نیز تأثیر قوانین بر فرایند تحقق حق به شهر اشاره می‌کند. هاروی (۲۰۰۸، ۲۰۱۲) حق به شهر را نوعی اختیار در شکل دادن به فرایند شکل‌دهی شهرها می‌نگرد و با تشریح چرخه‌های سرمایه، بر نقش سود در شکل‌دهی شهرها تأکید می‌کند. همچنین هاروی (۲۰۱٤) با نگارش کتاب هفده تناقض و پایان سرمایه‌داری، تناقض‌های نظام سرمایه‌داری را برمی‌شمارد و راه پیروزی بر آن را در تناقض‌های آن می‌داند. پورسل (۲۰۰۲، ۲۰۱٤) در آثار خود به تشریح دیدگاه‌های لوفور می‌پردازد و اصولی عام از نوشته‌های وی استخراج می‌کند. مارکوزه (۲۰۰۹) با دسته‌بندی اقتصادی و فرهنگی از شهروندان، به موضوع حق به شهر برای چه کسانی و چه حقوقی می‌پردازد و زمانی جامعه انتقادی را برنده مقابله با نظام سرمایه‌داری می‌بیند که کار برای سود از میان رفته باشد؛ بر این اساس می‌توان بیان کرد که معیارهای حق به شهر در میان صاحب‌نظران، در عین مشابهت و

1. Harvey & Meryfield

هم‌پوشانی با یکدیگر، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارد. با بررسی منابع داخلی و خارجی که بتوانند چارچوب نظری تحقیق را آماده کنند، نتایج زیر به دست آمده است (جدول ۳).

جدول ۳. شاخص‌های مؤثر در راستای تبین حق به شهر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

محقق	سال	معیار	شاخص
برنر[1] و همکاران	۲۰۱۲	حق به اختصاص دادن فضای شهری، حق به آموزش، حق به سلامت، حق به استفاده از مکان‌ها برای تعاملات اجتماعی، حق به شفافیت آرا و افکار	حق به مشارکت در تولید و بازتولید فضای شهری، حق به سکونت شهر، حق به اطلاع یافتن، یادگیری و آموزش، حق به گذران اوقات فراغت، حق به استفاده از مکان‌ها برای ملاقات، تعامل و مبادله، حق مشارکت در اطلاع‌رسانی و آگاهی یافتن
براون و کریستین سن[2]	۲۰۰۹	حق به تغییر و دوباره‌سازی شهری، حق به عدالت شهری، حق به مشمولیت اجتماعی	حق به تغییر و دوباره‌سازی شهری، حق به تعریف نیازها و احتیاجات شهروندی، حق به دسترسی برابر به امتیازات شهری، حق به مشمولیت اجتماعی، حق به تجدید ارتباطات اجتماعی
میشل[3]	۲۰۰۳	حق به حضورپذیری در شهر، حق به آگاهی، حق بـه آزادی، حق به زیستن	حق به انجام فعالیت‌های خلاقانه، حق به اطلاع یافتن و آگاه شدن، حق به نمادسازی، خیال‌پردازی و تفریح کردن، حق به آزادی، حق به فردیت در عین اجتماعی شدن، حق به زیستن و سکونت داشتن
هاروی[4]	۲۰۰۳	حق به حیات شهری، حق به هدایت برابر، حق به استفاده از فضاهای شهری	حق به حیات شهری برای همه شهروندان، حق به مشارکت شهروندی، حق به هدایت برابر، حق به استفاده از فضاهای عمومی و خصوصی شهری

1. Brenner et al
2. Brown, A., & Kristiansen
3. Mitchel
4. Harvey

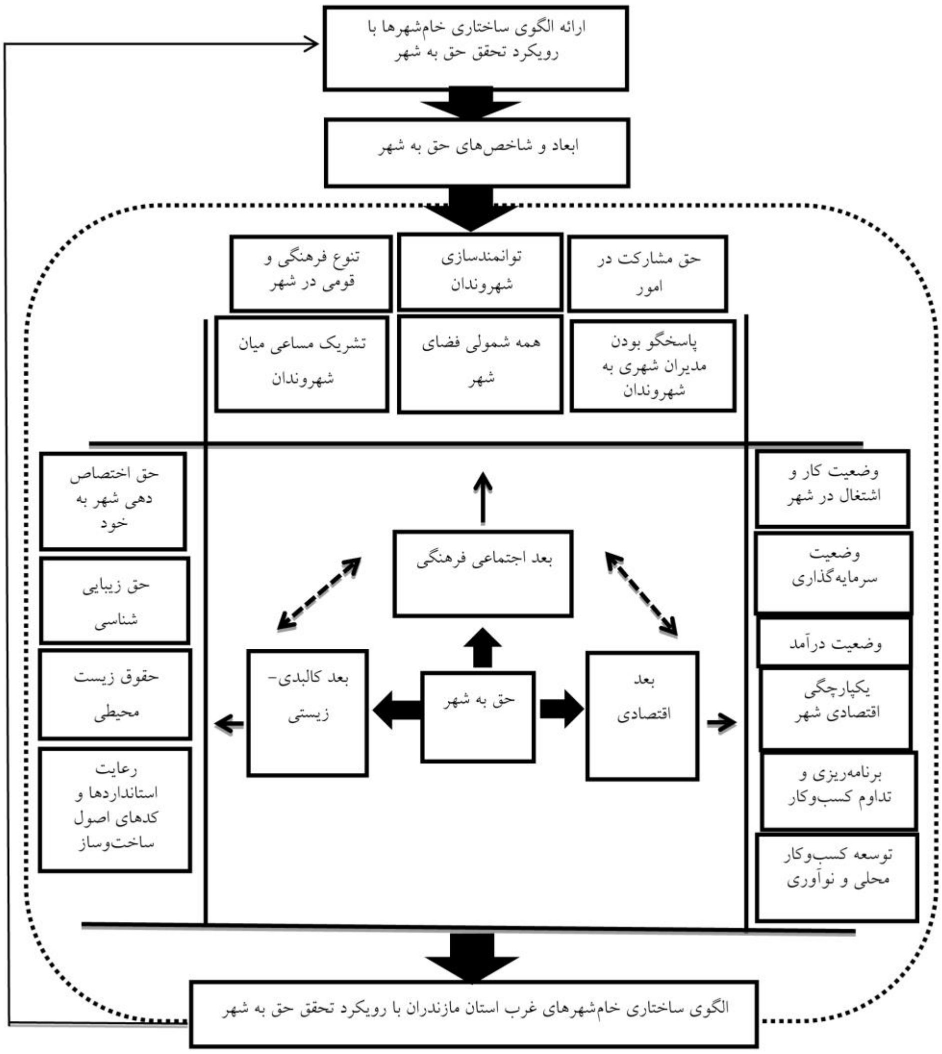
هانری لوفور[1]	۲۰۰۲	حق به اختصاص دادن فضای شهری، حق به سکونت شهر، حق به یادگیری و آموزش، حق به استفاده از خدمات گوناگون شهری، حق به سلامت، حق به استفاده از مکان‌ها برای ملاقات، تعامل و مبادله، حق به شفافیت	حق به اختصاص دادن فضای شهری و استفاده از آن، حق به مشارکت در تولید و بازتولید فضای شهری، حق به سکونت شهر، حق به اطلاع یافتن، یادگیری و آموزش، حق به استفاده از خدمات گوناگون شهری، حق به گذران اوقات فراغت، حق به کار، حق به سلامت، حق به استفاده از مکان‌ها برای ملاقات، تعامل و مبادله، حق به شفافیت در حکمروایی شهری
دولت‌شاه و همکاران	۱٤۰۰	حق دسترسی به حقوق اجتماعی و امنیت، حق دسترسی به حقوق اقتصادی و اشتغال، حق دسترسی به زیرساخت، حق زیست‌محیطی	حق مسکن و حمل‌ونقل، حق سلامت و بهداشت، حق تفریح- سرگرمی، حق آموزش و خانواده، حق اشتغال و وضع اقتصادی و امنیت، حق حکمرانی و ویژگی‌های مدنی، حق امکانات و خدمات، تأسیسات و تجهیزات، محیط‌زیست
حیدری و همکاران	۱٤۰۰	حق استفاده مناسب از فضای شهری، حق مشارکت	سهم فیزیکی، کنترل و مالکیت فضا، سرزندگی شهری، تصمیم‌گیری شهری، سازمان‌دهی شهری، تولید فضا/حق شهروندیت شهری
دارکش و استرکی	۱۳۹۹	زیست روزمره، حق مشارکت، تأمین مسکن، توزیع عادلانه، فضای شهری قابل‌اسکان، حق فضای خصوصی	امنیت و ایمنی در فضای شهری، همه‌شمولی فضای شهری، نقش‌آفرینی شهروندان در مسائل شهری، نظم اجتماعی، منطقه‌بندی شهری، عدالت اجتماعی، دسترسی عادلانه به امکانات و خدمات شهری، سیاست تراکم تشویقی، حق مالکیت خصوصی
اشتیاقی و شارع‌پور	۱۳۹۹	حق دسترسی برابر، عدالت و برابری فرصت اظهار نظر و ایده درباره فضا، حق مشارکت شهروندان، حق در مالکیت و کنترل بر فضاهای عمومی شهر، حق نظارت شهروندان	حق دسترسی برابر همه ساکنان شهر به اطلاعات درباره شهر، عدالت و برابری فرصت اظهارنظر و ایده درباره فضاها و مکان‌های شهر توسط شهروندان، حق مشارکت شهروندان در تصمیم‌های شهری، حق تغییر شهر به میل و خواست شهروندان، حق در مالکیت و کنترل بر فضاهای عمومی شهر توسط شهروندان، حق بر تولید فضاهای شهری توسط شهروندان، حق نظارت ساکنان شهر بر روند سرمایه‌گذاری در شهر، حق نظارت ساکنان بر ایجاد و توسعه مکان‌ها مانند ایجاد خطوط حمل‌ونقل عمومی، ساخت مسکن و...، حق نظارت شهروندان بر فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، حق تملک و تخصیص فضاهای شهری

1. Lefebvre

محمدی و کاظمی	۱۳۹۹	حق به حرکت و دسترسی، حق به فضای عمومی، حق دسترسی به خدمات، حق دسترسی به فضای سبز، حق برخورداری از امنیت و حق مشارکت ساکنان در اداره امور محله خود	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، پارکینگ، مالکیت فضا و عمومی بودن فضای شهر، وجود نشانه‌ها و گره‌های شهری، فضاهای گمشده شهری، دسترسی به کاربری‌ها و خدمات عمومی شهر (آموزشی، ورزشی، خرید و...)، حق زیست‌محیطی و فضای باز و سبز عمومی در شهر، امنیت و ایمنی در شهر، حق اطلاع‌رسانی و آگاهی شهروندان
پورمحمدی و همکاران	۱۳۹۸	حق مشارکت، حق تخصیص فضای شهری، حق مرکزیت، حق شهروندیت شهری، حق تعامل اجتماعی	حق مشارکت فعال و واقعی در تصمیم‌سازی، حق آگاهی-بخشی و آگاه‌سازی، حق دسترسی همگانی و آزاد به فضای شهر، حق همگانی بودن فضای شهری، حق ساکنان برای دسترسی، تصرف و استفاده فیزیکی، مرکزیت فضایی، مرکزیت تصمیم‌گیری، نقطه تجمعی برای زندگی جمعی، حق شهروندی به‌عنوان ساکن شهر، حق خاص به شهر (حتی بی-خانمان‌های شهری)، امکان برقراری ارتباطات اجتماعی، بستر ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان، لذت از حضور در فضاهای شهری
یغفوری و کاشفی دوست	۱۳۹۷	شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی، حکمروایی و سرزندگی شهری	مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، قانونمندی، عدالت‌محوری، کارایی و اثربخشی (شاخص‌های حکمروایی)، مسکن، خدمات و تفریح (شاخص‌های دسترسی فضایی)، همبستگی و انسجام و حمایت اجتماعی (شاخص‌های شمولیت اجتماعی)، امنیت، ارتباطات و تعامل اجتماعی (شاخص‌های سرزندگی شهری)
رفیعیان و الوندی‌پور	۱۳۹۵	حق حیات، حق آزادی بیان، حق تعلق فضای شهر به شهروندان، حق مشارکت شهروندان، حق نظارت بر اداره امور شهر	حق به شهر برای همه افراد، حق به شهر به معنای بیان، مطالبه و تخصیص و ایجاد فضا در شهر، حق فعالیت در فضاهای شهری، حق حضور در شهر و دموکراتیک کردن فضا، حق نظارت شهروندان بر تولید فضای شهری، حق تولید و بازتولید روابط اجتماعی در شهر

زیست‌پذیر کردن فضای شهری در گرو دستیابی به عدالت اجتماعی برای همه ساکنان آن است؛ ازین‌روست که مفاهیمی همچون حقوق شهروندی و حق به شهر مطرح شده است. از طرفی تحقق این مسائل در شهرهای کوچک (خام‌شهرها) بوده است؛ بر همین اساس، مطابق

با مطالعات نظری در راستای تبیین حق به شهر و جدول ۳، در ادامه، مـدل مفهـومی پـژوهش حاضر نشان داده شده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۵. یافته‌های تحقیق

تحلیل داده‌ها و متغیرهای پژوهش، منوط به تعریف معیارها و متغیرهایی است کـه محقـق براساس مطالعات نظری، به آن دست یافتـه اسـت؛ ازایـن‌رو در ایـن پـژوهش نیـز بـه‌واسـطه موضوع به بیان متغیرهای تحقیق از نظر محققان داخلـی و خـارجی نیـاز اسـت. سـپس بـرای تحلیل منطقی، این متغیرها در محدوده موردمطالعه بومی‌سازی و آزمون می‌شوند.

نتیجه آزمون t تک‌نمونه‌ای درمورد وضعیت بعد اجتماعی–فرهنگی به‌منظور تحقق حق بـه شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران نشان می‌دهد، مقـدار آمـاره t در سـطح معنـاداری برابر با ۰.۰۰۰ که کمتر از ۰.۰۵ است، در شهر کجور برابر با ۳٦.۸۹۰–، در شهر بلـده برابـر بـا ۲۸.۱۷۹– و در شهر پول برابر با ۳۸.٤۹۰– اسـت؛ ضـمن آنکـه براسـاس نتـایج جـدول ٤، در تمامی شهرها مقدار میانگین واقعی از مقدار میانگین مفروض کوچک‌تـر اسـت؛ چـون مقـدار آماره t منفی است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که وضعیت بعـد اجتمـاعی–فرهنگـی بـه‌منظـور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران در وضعیت نامناسب قرار دارد.

جدول ٤. وضعیت بعد اجتماعی–فرهنگی حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

بعد اجتماعی–فرهنگی	شهر کجور	شهر بلده	شهر پول
میانگین مفروض	۳	۳	۳
مقدار آماره t	–۳٦.۸۹۰	–۲۸.۱۷۹	–۳۸.٤۹۰
اختلاف میانگین	–۰.٤۸۲	–۰.٤٤۱	–۰.۵۰۰
درجه آزادی	۳٤۱	۲۷۹	۳٤۱
سطح معنا داری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

نتیجه آزمون t تک‌نمونه‌ای درمورد ارزیابی وضعیت بعد اقتصادی در تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران نشان می‌دهد، مقدار آمـاره t در سـطح معنـاداری برابـر بـا ۰.۰۰۰ که کمتر از ۰.۰۵ است، در شهر کجور برابر با ۵۵.۰۳۹–، در شهر بلده برابر با ٤۷.٤۹۲– و در شهر پول برابر با ۵۹.۷۹۰– است؛ ضمن آنکه براساس نتایج جدول ۵، در تمـامی شـهرها مقدار میانگین واقعی از مقدار میانگین مفروض کوچک‌تر اسـت؛ چـون مقـدار آمـاره t منفـی

است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که وضعیت بعد اقتصادی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران در وضعیت نامناسب قرار دارد.

جدول ٥. وضعیت بعد اقتصادی حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠١

بعد اقتصادی	شهر کجور	شهر بلده	شهر پول
میانگین مفروض	٣	٣	٣
مقدار آماره t	-٥٥.٠٣٩	-٤٧.٤٩٢	-٥٩.٧٩٠
اختلاف میانگین	-٠.٧٨٦	-٠.٧٩٦	-٠.٨٧٠
درجه آزادی	٣٤١	٢٧٩	٣٤١
سطح معنا داری	٠.٠٠٠	٠.٠٠٠	٠.٠٠٠

نتیجه آزمون t تک‌نمونه‌ای درمورد وضعیت بعد کالبدی-زیستی در تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران نشان می‌دهد، مقدار آماره t در سطح معناداری برابر با ٠.٠٠٠ که کمتر از ٠.٠٥ است، در شهر کجور برابر با ١١.٣١٥-، در شهر بلده برابر با ١١.٩٥٨- و در شهر پول برابر با ١١.٨١٢- است؛ ضمن آنکه براساس نتایج جدول ٦، در تمامی شهرها مقدار میانگین واقعی از مقدار میانگین مفروض کوچک‌تر است؛ چون مقدار آماره t منفی است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که وضعیت بعد کالبدی-زیستی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران در وضعیت نامناسب قرار دارد.

جدول ٦. وضعیت بعد کالبدی-زیستی حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠١

بعد کالبدی-زیستی	شهر کجور	شهر بلده	شهر پول
میانگین مفروض	٣	٣	٣
مقدار آماره t	-١١.٣١٥	-١١.٩٥٨	-١١.٨١٢
اختلاف میانگین	-٠.١١٦	-٠.١٤١	-٠.١٢٢
درجه آزادی	٣٤١	٢٧٩	٣٤١
سطح معنا داری	٠.٠٠٠	٠.٠٠٠	٠.٠٠٠

پس از بررسی وضعیت تمامی ابعاد تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران، از طریق آزمون t تک‌نمونه‌ای این نتیجه به دست می‌آید که تمامی ابعاد تحقق حق به شهر (شامل ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- زیستی) در خام‌شهرهای غرب استان مازندران (شامل شهرهای کجور، بلده و پول) در وضعیت نامناسب قرار دارند.

جدول ۷. ارزیابی آزمون t تک‌نمونه‌ای وضعیت ابعاد حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

ابعاد تحقق حق به شهر	وضعیت شهر کجور	وضعیت شهر بلده	وضعیت شهر پول
بعد اجتماعی-فرهنگی	نامناسب	نامناسب	نامناسب
بعد اقتصادی	نامناسب	نامناسب	نامناسب
بعد کالبدی-زیستی	نامناسب	نامناسب	نامناسب

برای رتبه‌بندی ابعاد تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران از آزمون فریدمن استفاده می‌شود. آزمون فریدمن یکی از آزمون‌های آماری است که از نظر میانگین، رتبه‌های گروه‌ها را مشخص می‌کند. در این آزمون، هرچه میانگین رتبه یکی از خام‌شهرها بزرگ‌تر باشد، آن بعد رتبه بالاتری دارد و هرچه میانگین رتبه یکی از ابعاد موردبررسی کوچک‌تر باشد، آن بعد رتبه پایین‌تری دارد. رتبه‌بندی خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اجتماعی-فرهنگی در جدول ۸ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه sig (سطح معناداری آزمون) کوچک‌تر از ۰.۰۵ (برابر با ۰.۰۰۱) است، فرضیه صفر تأیید نمی‌شود و خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اجتماعی-فرهنگی دارای رتبه یکسان نیستند.

جدول ۸. آماره‌های آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

کای اسکوئر	۱۴.۶۶۷
درجه آزادی	۲
سطح معناداری آزمون	۰.۰۰۱

جدول ۹ رتبه میانگین خام‌شهرهای غرب استان مازندران را در بعد اجتماعی-فرهنگی نشان می‌دهد؛ بر این اساس، شهر بلده با رتبه میانگین ۲.۱٤ بالاترین رتبه را در میان خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اجتماعی-فرهنگی دارد.

جدول ۹. رتبه میانگین خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اجتماعی-فرهنگی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اجتماعی-فرهنگی	رتبه میانگین
شهر کجور	۲.۰۲
شهر بلده	۲.۱٤
شهر پول	۱.۸٤

رتبه بندی خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اقتصادی در جدول ۱۰ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه sig (سطح معناداری آزمون) کوچک‌تر از ۰.۰۵ (برابر با ۰.۰۰۰) است، فرضیه صفر تأیید نمی‌شود و خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اقتصادی دارای رتبه یکسان نیستند.

جدول ۱۰. آماره‌های آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

کای اسکوئر	۷٦.۲۸۷
درجه آزادی	۲
سطح معناداری آزمون	۰.۰۰۰

جدول ۱۱ رتبه میانگین خام‌شهرهای غرب استان مازندران را در بعد اقتصادی نشان می‌دهد؛ بر این اساس، شهر کجور با رتبه میانگین ۲.۳٤ بالاترین رتبه را در میان خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اقتصادی دارد.

جدول ۱۱. رتبه‌بندی خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

رتبه‌بندی	خام‌شهرهای غرب استان مازندران
رتبه اول	شهر کجور
رتبه دوم	شهر بلده
رتبه سوم	شهر پول

رتبه‌بندی خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد کالبدی-زیستی در جدول ۱۲ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه sig (سطح معناداریآزمون) بیشتر از ۰.۰۵ (برابر با ۰.۳۰۲) است، فرضیه صفر تأیید می‌شود و خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد کالبدی-زیستی دارای رتبه یکسان هستند. جدول ۱۲ رتبه میانگین خام‌شهرهای غرب استان مازندران را در بعد کالبدی-زیستی نشان می‌دهد؛ بر این اساس، شهرهای کجور، بلده و پول با وجود اینکه رتبه میانگین متفاوتی دارند، ولی به دلیل اینکه این تفاوت معنادار نیست، دارای رتبه برابر در بعد کالبدی-زیستی هستند.

جدول ۱۲. رتبه میانگین خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد کالبدی-زیستی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اقتصادی	رتبه میانگین
شهر کجور	۲.۰۶
شهر بلده	۱.۹۴
شهر پول	۲.۰۰

وضعیت بعد اجتماعی-فرهنگی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان

در جدول ۱۳ می‌توان مقدار آماره مربع کی را با ۱ درجه آزادی و همچنین سطح معناداری آزمون (P-Value) را با مقدار ۰.۳۴۵ مشاهده کرد که با توجه به خروجی مذکور، نتیجه نهایی این است که وضعیت بعد اجتماعی-فرهنگی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان یکسان است.

جدول ۱۳. آزمون کروسکال والیس برای بررسی وضعیت بعد اجتماعی-فرهنگی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

کای اسکوئر	۲٦.۳۲۰
درجه آزادی	۱
سطح معناداری آزمون	۰.۳٤۵

وضعیت بعد اقتصادی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان

در جدول ۱٤ می‌توان مقدار آماره مربع کی را با ۱ درجه آزادی و همچنین سطح معناداری آزمون (P-Value) را با مقدار ۰.۲۷٤ مشاهده کرد که با توجه به خروجی مذکور، نتیجه نهایی این است که وضعیت بعد اقتصادی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان یکسان است.

جدول ۱٤. آزمون کروسکال والیس برای بررسی وضعیت بعد اقتصادی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

کای اسکوئر	۲۳.۱۸٦
درجه آزادی	۱
سطح معناداری آزمون	۰.۲۷٤

وضعیت بعد کالبدی-زیستی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان

در جدول ۱۵ می‌توان مقدار آماره مربع کی را با ۱ درجه آزادی و همچنین سطح معناداری آزمون (P-Value) را با مقدار ۰.۲۵۹ مشاهده کرد که با توجه به خروجی مذکور، نتیجه نهایی این است که وضعیت بعد کالبدی-زیستی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان یکسان است.

جدول ۱۵. آزمون کروسکال والیس برای بررسی وضعیت بعد کالبدی-زیستی تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

کای اسکوئر	۲۱.۳٦۷
درجه آزادی	۱
سطح معناداری آزمون	۰.۲۵۹

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش با عنوان واکاوی اثرات مؤلفه‌های حق به شهر در خام‌شهرهای (غرب) استان مازندران، ابتدا با بررسی مبانی نظری به تبیین ابعاد و معیارهای تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران پرداخته شد؛ بر این اساس، ابعاد بررسی‌شده شامل بعد اجتماعی و فرهنگی، بعد اقتصادی و بعد کالبدی-زیستی در راستای تحقق هدف اصلی پژوهش بود. در ادامه نیز معیارهای بررسی‌شده شامل حق مشارکت در شهر (مشارکت‌پذیری)، حق به شهری آموزنده، حقوق اجتماعی-فرهنگی (زیست‌پذیری شهری)، حق معاش و پایداری اقتصاد شهر، حقوق اقتصادی، حق اختصاص‌دهی شهر به خود، حق زیبایی‌شناسی و حقوق زیست‌محیطی بود. نتیجه آزمون t تک‌نمونه‌ای درمورد وضعیت بعد اجتماعی-فرهنگی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران نشان می‌دهد، مقدار آماره t در سطح معناداری ۰.۰۰۰ در شهر کجور برابر با ۳٦.۸۹۰-، در شهر بلده برابر با ۲۸.۱۷۹- و در شهر پول برابر با ۳۸.٤۹۰- است؛ بنابراین، وضعیت بعد اجتماعی-فرهنگی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران در وضعیت نامناسب قرار دارد. نتیجه آزمون t تک‌نمونه‌ای درمورد وضعیت بعد اقتصادی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران نشان می‌دهد، مقدار آماره t در سطح معناداری ۰.۰۰۰ در شهر کجور برابر با ۵۵.۰۳۹-، در شهر بلده برابر با ٤۷.٤۹۲- و در شهر پول برابر با ۵۹.۷۹۰- است؛ بنابراین می‌توان گفت که وضعیت بعد اقتصادی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران در وضعیت نامناسب قرار دارد. نتیجه آزمون t تک‌نمونه‌ای

درمورد وضعیت بعد کالبدی-زیستی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران نشان می‌دهد، مقدار آماره t در سطح معناداری ۰۰.۰۰ در شهر کجور برابر با ۱۱.۳۱۵-، در شهر بلده برابر با ۱۱.۹۵۸- و در شهر پول برابر با ۱۱.۸۱۲- است؛ بنابراین وضعیت بعد کالبدی- زیستی به‌منظور تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران در وضعیت نامناسب قرار دارد. پس از بررسی وضعیت تمامی ابعاد تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران از طریق آزمون t تک‌نمونه‌ای، این نتیجه به دست می‌آید که تمامی ابعاد تحقق حق به شهر (شامل ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-زیستی) در خام‌شهرهای غرب استان مازندران (شامل شهرهای کجور، بلده و پول) در وضعیت نامناسب قرار دارند.

رتبه‌بندی خام‌شهرهای غرب استان مازندران از طریق آزمون فریدمن نشان می‌دهد، با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از ۰.۰۵ (برابر با ۰.۰۰۱) است، شهر بلده با رتبه میانگین ۲.۱٤ بالاترین رتبه را در میان خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اجتماعی-فرهنگی دارد. رتبه‌بندی خام‌شهرهای غرب استان مازندران از طریق آزمون فریدمن نشان می‌دهد، با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از ۰.۰۵ (برابر با ۰.۰۰۱) است، شهر کجور با رتبه میانگین ۲.۳٤ بالاترین رتبه را در میان خام‌شهرهای غرب استان مازندران در بعد اقتصادی دارد. رتبه‌بندی خام‌شهرهای غرب استان مازندران از طریق آزمون فریدمن نشان می‌دهد، با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰.۰۵ (برابر با ۰.۳۰۲) است، شهرهای کجور، بلده و پول با وجود اینکه رتبه میانگین متفاوتی دارند، ولی به دلیل اینکه این تفاوت معنادار نیست، دارای رتبه برابر در بعد کالبدی-زیستی هستند. معیارهای تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران نشان می‌دهد، در بین معیارهای تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران، معیار حق اختصاص‌دهی شهر به خود با وزن ۰.۱٤٦۱ دارای بیشترین وزن و اهمیت است و پس از آن به‌ترتیب، حقوق زیست‌محیطی و حق معاش و پایداری اقتصاد شهر قرار می‌گیرد. نتایج این تحقیق تأییدکننده و کامل‌کننده نتایج تحقیقاتی است که در پیشینه پژوهش بررسی شده است. در بررسی وضعیت ابعاد اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-زیستی و اقتصادی در رابطه با تحقق حق به شهر از

نظر شهروندان و متخصصان با استفاده از آزمون کروسکال والیس مشخص شده است که وضعیت این ابعاد در تحقق حق به شهر از نظر شهروندان و متخصصان یکسان است.

پژوهش حاضر نشان داده است، نتایج حاصل از بررسی بعد اقتصادی در تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران، هم‌راستا با پژوهش پورسل (۲۰۱۳) است که او در پژوهش خود به موضوع دولت و سرمایه‌داری پرداخت. نتایج حاصل از بررسی بعد اجتماعی-فرهنگی در تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران، هم‌راستا با پژوهش آیریس یانگ (۲۰۱۲) است. وی در پژوهش خود به موضوعات اجتماعی ازجمله برابری جنسیتی در نظریه شهروندی متمایز پرداخته و بر فرم‌های حقوقی جمعی مبتنی بر گروه‌های اجتماعی خوداتکا و خودانگیخته همچون نظریه حق به شهر تأکید داشته است و نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. درنهایت، نتایج حاصل از بررسی بعد کالبدی-زیستی در تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران، هم‌راستا با پژوهش لانگ و همکاران (۲۰۱۱) می‌باشد. آن‌ها در پژوهش خود به موضوعاتی نظیر کاهش زمین‌های زراعی و صنعتی‌سازی و دوری از محیط‌زیست شهری پرداختند که نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

با توجه به مباحث مذکور می‌توان نتیجه گرفت که شناسایی حق‌ها، کلیدی‌ترین عامل موثر در جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر به‌منظور تحقق حق به شهر در نمونه مطالعه ارائه می‌شود:

-تدقیق مرزبندی کالبدی شامل مرز نواحی شهری و در مقیاس کوچک‌تر، مشخص کردن مرز محلات به‌منظور یکارچه‌سازی طرح‌های توسعه پیشنهادی شامل نظام کاربری‌ها، مراکز و راسته‌های خدمات و فعالیت، تخصیص تراکم مناسب در خام‌شهرهای غرب استان مازندران؛

-اولویت‌بندی راهبردهای تحقق حق به شهر و در دستور کار قرار دادن راهبردهای با اولویت بالاتر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران. با توجه به تحلیل شبکه‌ای تحقق حق به شهر در خام‌شهرهای غرب استان مازندران، پیشنهاد می‌شود تا معیار حق اختصاص‌دهی شهر به‌عنوان اولویت اول و معیار حقوق زیست‌محیطی به‌عنوان اولویت دوم در نظر گرفته شود؛

-براساس مطالعات و با توجه به مشکلات پیش روی پژوهش حاضر به‌خصوص در ابعاد نظری و علمی علاوه‌بر سایر مسائل (بودجه، زمان، اطلاعات و...)، در راستای بهبود الگوی زندگی شهروندان خام شهرها و مطالعه در زمینه حق به اداره امور در نظام مدیریت شهری (حکمروایی مطلوب)، مشارکت شهروندان و مدیران شهری در تحقق رویکرد حق به شهر در شهرهای کوچک و نیز تهیه طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی (دقت در انسجام پژوهش‌ها و ضوابط موجود) پیشنهاد می شود.

شایان ذکر است که ترویج فرهنگ مشارکت مردم در امور شهر، اصلاح مدیریت شهری، رفع موانع قانونی و اجرایی و تدوین موارد مذکور در قالب منشور حق به شهر ضمانت اجرایی حقوقی ندارد، اما می‌تواند به ترویج فرهنگ آن در بین مردم منجر شود؛ ازاین‌رو شناسایی این حق می‌تواند اثر متقابل بر افزایش احساس مسئولیت مردم و متعاقب آن افزایش فعالیت نهادهای شهری و مردمی داشته باشد.

کتابنامه

۱. اشتیاقی، م.، شارع‌پور، م.، و فاضلی، م. (۱٤۰۰)، بررسی بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه شهرها (موردی توسعه حمل‌ونقل شهر تهران)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۰(۳۹)، ۲۵۷-۲۲۵.

۲. ایرانی هریس، ص.، مجیدی، م.، و خیرالهی، ح. (۱۳۹۹)، نقش شهرهای کوچک در سازمان فضایی و توسعه منطقه‌ای (مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی)، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۱(۱)، ۵۸-٤۵.

۳. ایناانلو، ح.، و تاجوک، ن. (۱٤۰۰)، جغرافیای شهری ایران: نابرابری‌های فضایی در نظام شهری، تهران، انتشارات گشتاسب، چاپ اول.

٤. پورمحمدی، م. روستایی، ش. و خضرنژاد، پ. (۱۳۹۸)، تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی. نمونه موردی: شهر ارومیه، فصلنامه زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۱۰(٤)، ۲۲۱-۱۹۵.

۵. حبیب‌نژاد، س. ا.، و خسروی، ا. (۱٤۰۱)، حق به شهر و امکان شناسایی آن در نظام حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۲(۱)، ۱۸٤-۱٦۳.

٦. حیدری، م. ت.، محمدی، ش.، و رحمانی، م. (١٤٠٠)، پایش نظریه حق به شهر در بازتولید فضای شهر دوستدار سالمند (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳(۱)، ۲۱۲-۱۹۵.

۷. دارکش، م.، و استرکی، س. (۱۳۹۹)، آسیب‌شناسی طرح‌های شهری از منظر حق به شهر (نمونه موردی: طرح شهری نواب - گسترش مترو در محله بریانک)، فصلنامه جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۲(۳)، ۲۵-۱.

۸. دولتشاه، ص.، سرور، ر.، و توکلان، ع. (١٤٠٠)، تحلیلی بر شاخص‌های زیست‌پذیری با رویکرد حق به شهر، مطالعه موردی: بندر ماهشهر، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳(۳)، ۱۳۱-۱۰۹.

۹. رفیعیان، م.، و الوندی‌پور ن. (۱۳۹۵)، مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جست‌وجوی مدلی مفهومی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ١٦(۲)، ٤٧-۲۵.

۱۰. سنایی، م.، وفادار سورکی، ر.، و عاطفی، ک. (١٤٠١)، سنجش افتراقات فضایی تحقق حق به مشارکت و اختصاص‌دهی شهر به خود در پرتو اندیشه حق به شهر در شهر هچیرود- شهرستان چالوس، فصلنامه سیاست‌گذاری محیط شهری، ۲(۵)، ٦٠-٤٥.

۱۱. شارع‌پور، م.، و اشتیاقی، م. (۱۳۹۹)، بررسی مفهوم حق به شهر در سیاست‌گذاری شهری، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۱(۲)، ۸۲-٦٥.

۱۲. شریف‌پور، ش.، و اللهی، ص. (١٤٠٠)، بررسی جایگاه شهرهای کوچک مرزی در نظام سلسله مراتبی شهری (نمونه موردی شهرستان سردشت)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم-انداز زاگرس، ۱۳(٤٧)، ۷۰-٤٩.

۱۳. شکری فیروزجاه، پ.، صیدبیگی، ص.، کیانژاد، ز.، و رسولی، س. ح. (١٤٠٠)، تحلیل فضایی شهرهای کوچک شهرستان بابل بر اساس شاخص‌های زیست‌پذیری شهری، فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهر، ۸(۱)، ۱۲۷-۱۱۳.

١٤. شکوه‌فر، ف.، داودپور، ز.، و بیگدلی‌راد، و. (١٤٠٠)، واکاوی چالش تفاوت‌های جنسیتی و حق بر شهر (مطالعه موردی: شهر قزوین)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی و سکونتگاه‌های انسانی، مقالات آماده انتشار، انتشار آنلاین شهریور.

۱۵. عزیزی، م. م.، زبردست، ا.، و برنافر، م. (۱۳۹۸)، سنجش اثرات تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری در مقیاس ناحیه: نمونه موردی ناحیه‌های استان گیلان (۱۳۳۵–۱۳۹۵)، فصلنامه مدیریت شهری و روستایی، (٥٤)، ٢٦–٧

۱٦. کامیارراد، س.، هداوند، م.، و کامیارراد، ص. ع. (۱٤۰۰)، حق بر شهر، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۲(۷۰)، ۲۸۲–۲۵۰.

۱۷. محمدی، م.، و کاظمی، ک. (۱۳۹۹)، بازخوانی یک طرح شهری با بهره‌گیری از انگاره حق به شهر- مجتمع تجاری عرش آجودانیه تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ٥(۱٥)، ۱۱۷–۸۹.

۱۸. نصیری‌مقدم، م.، آمار، ت.، و رضائی، پ. (۱٤۰۱)، بررسی نقش و کارکرد شهرهای کوچک در سهولت خدمات‌رسانی به نواحی روستایی شهرستان رودبار. مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، ۳(۲)، ۱۰۲–۸۹.

۱۹. نوروزی، م.، و زرین‌جویی، س. (۱۳۹۱)، تبدیل روستا به شهر و نقش آن در رضایتمندی از کیفیت محیط (مطالعه موردی: شهر حسینیه در استان خوزستان). چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران.

۲۰. یغفوری، ح.، و کاشفی دوست، د. (۱۳۹۷)، ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳٥)، ٦٨–٥٧.

21. Akhundi, A. (2020), Shahrforoshi, Neglecting the Rule of the City, Shargh Newspaper, Monday, March 16, 2016, No. 3963.
22. Brown, A., & Kristiansen, A. (2009), Urban Policies and the Right to the City: Rights, Responsibilities, and Citizenship, UN-HABITAT, Policy Paper Series on Management of Social Transformations
23. Brenner, N., Marcuse, P., & Mayer, M. (2012), Cities for people not for profit: critical urban theory and the right to the city. London & New York: Taylor & Francis Group.
24. Carmen, M. (2020), The more-than-human right to the city: A multispecies reevaluation, Journal of Urban Affairs, Published online: 03 Apr 2020.
25. Domaradzka, A. (2018), Urban Social Movements and the Right to the City: An Introduction to the Special Issue on Urban Mobilization, Volant’s (2018) 29:607–620.
26. Fawaz, M. (2013), Towards the right to the city ininformal settlements, in Samara et.al (2013) LocatingRight to the City in the Global South, NewYork: Routledge.
27. Harvey, D. (2003), Debates and developments: the right to the city. International Journal of Urban and Regional Research, 27(4): 939-941

28. Harvey, David. (2008), The right to the city. The City Reader, 6(1), 23-40.
29. Harvey, David. Meryfield (2014), Seventeen Contradictions and the End of Capitalism. London: Profile books.
30. Isin E. (2000), Introduction: democracy, citizenshipand the city. In: Isin E. (ed.), Democracy, citizenshipand the global city, pp. 1–21. Routledge, New York.
31. Lefebvre, H. (2002), Critique of everyday life; foundations for a sociology of the everyday. 1st edition Translated by John Moore. London: Verso, 2
32. Lelandais, G. (2013), Citizenship, minorities and thestruggle for a right to the city in Istanbul, Citizenship Studies, 17(6-7), 817-836.
33. Marcuse, Peter. (2010), Rights in Cities and the Right to the City? Cities for All, 87-98.
34. Meriläinen, Eija., Fougère, M.., Wojciech, P. (2020), Refocusing urban disaster governance on marginalised urban people through right to the city, Environmental Hazards 19, 187-208.
35. Mitchel, D. (2003), The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space. New York: Guilford Press.
36. Purcell, M. (2013), Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City. Journal of urban affairs, 36, 141-154.
37. Tuncer, M., (2017), Urban Aging and the Right to the City: Experiences of Elderly in Kadikoy, Master's dissertation in sociology, Istanbul University.